

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

نعمت الله مختارزاده

۱۴ جون ۲۰۱۱

شهر اسن – المان



ای خدا! این چه کیش و آئین است
مرکزِ خشم و بغض و از کین است
در چنین عصر و قرنِ نورانی
اسپِ جهل و جهالتش، زین است
آیه های نفاقِ بینِ بشر

ساختِ انگلیس و روس و از چین است
هرکه بر نفعِ خود کند تفسیر
شیشهٔ دل ، شکسته زنگین است
این حکایات و ، این روایتها
چون سیاست ، همه دروغین است
زن ستیزی که گشته ، پایهٔ دین
اصل و فرعش ، عداوت و **کین** است
(**صیغه بازی**) که مادرِ فحشاست
چادرش ، پاره پاره ننگین است
(**صیغه**) ، (**سوغات**) (**کشور ایران**)
تحفهٔ چرک و پُر ز نفرین است
(**صیغه**) اندر (**تسنن**) و (**شیعه**)
(محسنی) میگه ، با براهین است
گر کسی (**صیغه**) را نماید رد
گردنش قطع با تبرزین است
(**زن**) ، (**کشتزار مرد و مُلکیتش**)
(**دَرَو و کِشت**) ، روزِ چندین است
اختیاری ندارد هرگز ، (**زن**)
دلِ مرد هرچه خواست تحسین است
همچنان میگه با جهالتِ محض
گفته هایم چو قند ، شیرین است
لیک از دیگران چو قاتلِ تلخ
تند و ترش است و ، زهر آگین است
زان سبب دیدم (**ارشاد ارشاد**)
خَب و چُپ شِسته ، خیلی غمگین است

گوئی ترسیده و ، همی لرزد
 بَبَلُو (محسنی) ، خَشْمِگین است
 چهره اصلی اش نمایان شد
 دست پرورده (شیاطین) است
 دایماً کرده ، استفاده ز خلق
 فاخر مکر و ، تاجر دین است
 (پی ، اچ ، دی) و داکتر و ماستر
 همه مانند ، مار آستین است
 دوستی با گروه رهن و دزد
 دشمنی با غریب و مسکین است
 دین گردیده سبز و سرخ و سیاه
 با سیاست ، به ناز و تمکین است
 دین افتاده دست ناخلفان
 سوء تعبیری پُر ز تفتین است
 بسته محکم به ریش و پشم ملا
 حاصلاتش ، چمین و سرگین است
 دین ، گردیده بازی شطرنج
 چال اعراب و کشت سیمین است
 کشت شان را همیشه مات کنم
 اسپ مارا ، مقام فرزین است
 سر سیمین ، هوای صیغه زده
 عشق پیری ، شراب نوشین است
 بار اعراب ، میکشد بر دوش
 پوند انگلیس ، بسکه شیرین است
 همه تقصیر ، از (ملازاده)

دشمنِ وحدتِ هر آئین است
راهِ گنجشکی ، نشانش داد
مُهر ، تکفیر و ، تاپه زنگین است
ای خدا ! بر گروه بیخردان
بهر چه ، منصبِ سلاطین است
جلو اختیارِ مردمِ ما
بسته بر دمِ آن و گاه این است
همچو (جلادِ بی خدا) هریک
گاهی شلاق و گاهی قمچین است
عالم از بغض و کینه شد مسموم
چین دین ، بسکه پر چین است
« نعمت » ! از کاسبانِ مذهب و دین
شکن عهدِ شان ، به تضمین است